

بناگاه

@anjomanalzahra

@anjoman_islami_alzahra

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهراء(س)

سال هشتم • شماره ۷۳

۱۶ صفحه • مهر ماه ۱۴۰۲

ماهنامه سیاسی

تشکیلات ابراهیم

پیرامون سازوکار فعالیت شیعیان در نیجریه

«ص ۱۳»



سخن سردیبر

پر از رنگ خون

این روزها در کنار اخبار ریز و درشت داخلی و خارجی، مسائل مربوط به فلسطین را مردم بیشتر از سایر مطالب دنبال می‌کنند. اتفاقات اخیر در فلسطین جنبه‌های متفاوتی را بر همگان عرضه می‌کند. از روند و پیشرفت روبه‌جلوی مقاومت در فلسطین، درک مفهوم نزدیک بودن پیروزی و مسائل این چینی است. درگیری‌های امروز و مقاومت در فلسطین امروز شاید شبیه به کنش امام در انقلاب بود، آن زمانی که امام مستقیماً به دل استکبار زده و می‌گوید، هرچی می‌کشیم زیر سر آمریکا و اسرائیل است. می‌گوییم شبیه کنش امام است چراکه مقاومت مردم فلسطین، همان سخنان امام را با عمل به عالم نشان می‌دهند. آنکه امروز محور مقاومت در فلسطین درست در کنار سرزمین‌های اشغالی، عملیات‌هایی را آغاز می‌کند که رژیم صهیونیستی حتی فکرش را نمی‌کند، اسرائیلی نیست که روزی ادعا می‌کرد از قدرتهای نظامی برتر دنیا است. امروزه اسرائیل در موضع ضعفی قرار دارد که اگر بتواند و به او اجازه دهند، با آغوشی فراخ به سوی آتش‌بس قدم برمی‌دارد.

اینکه امروز سازمان‌های حقوق بشری فقط نظاره‌گر این جنایت است از همان استکباری سرچشمه می‌گیرد که امام روزی با قاطعیت فرمود، هیچ غلطی نمی‌تواند بکند، حالا نهادهای زیر سلطه خود را مجبور به سکوت کرده است، اما نمی‌تواند حقیقت را خاموش و صدای تمام جهان را قطع کند.

نرگس خطیب دماوندی

این شماره از بی‌تعارف با تائر فراوان تقدیم می‌شود به: مردم قهرمان غزه و شهدای پر افتخار آنها؛ به ویژه شهدای بیمارستان المعمدانی که خون آنها به ظلم ریخته‌شد تا مرز ظالم و مظلوم تا قیامت برای بشر مشخص گردد.



قاب پانزدهم: نسل‌کشی رژیم صهیونیستی در بیمارستان المعمدانی غزه

انگار در دهه ۳۰ زندگی می‌کنیم...

جستاری بر حرکات هنجارشکنانه در دانشگاه تهران

● هدیه گیاه تازه - کارشناسی آمار و کاربردها

اسماعیلیون یا یک سری خواننده دوزاری و اصولا خالی از هرگونه سواد سیاسی؟ حالا جبهه اپوزیسیون با دست خالی وسط گود خالی ایستاده‌است. قهرمانی برای دل بستگی هم ندارد، پس مجبور است امروز برود التماس آن دانشجویی دانشگاه تهران را بکند که بیا تورو خدا الگوی ما بشو که پس فردا نگویند شما بی‌سواید؛ یا برود به فلان فضانورد کلی جایزه بدهد و بعد بگوید او هم با این همه کمالات اپوزیسیون جمهوری اسلامی است، پس شما هم بیایید، اپوزیسیون شوید بلکه مقابل این جبهه بزرگ و پر قوام حق بتواند کمی بیشتر دست‌وپا بزنند...

علم چشمه‌ساریست گوارا، که ساحت پاکش با این حرکات مضحک و سطحی خدشه نمی‌افتد. ۱۰۰۰ و اندی قبل پیامبر مسلمین علم‌اندوزی را بر هر مسلمان واجب کرده بود و خود را نیز شهر علم نامیده و وعده کرد بود اگر علم در ثریاست فرزندان سلمان به آن دست پیدا می‌کنند، که سلمان منی اهل بیت بود و در صداقت و شرافت سرآمد دوران‌ها...

گفتنی حکایت از چه می‌ترسی دگر است دیگر. اینکه لیلا حسین‌زاده بود. مدرک تحصیلات تکمیلی خود را برای انقلاب مقدسمان قمار کرد. ۴ واحد کارشناسی که دیگر این حرف‌ها را ندارد! حتما آنکه از تحصیل و رشد علم در این کشور شاکی است بدش نمی‌آید سنگ‌های تازه‌ای را فرو بریزد... بالاخره سنگر دانشگاه هم سنگر به سنگر فتح می‌شود!

اما دیدگاه دوم نشان از استیصال جبهه اپوزیسیون دارد. وقتی جبهه اپوزیسیون می‌بیند، جبهه انقلاب اسلامی ایران از بدو آغاز تا لحظه پیروزی و تا همین اکنون چهره‌هایی دارد که در علم، تقوا، فداکاری و اخلاص سرآمد و متبلور هستند و دوست و دشمن به وجود این چهره‌ها افتخار می‌کنند. قطعا مستاصل می‌شوند که من با کدام جاذبه جوانان که رکن اصلی حرکت هستند را دل بسته کنم؟ به بی‌شرفی علی کریمی و بی‌حیایی مسیح علینژاد دل خوششان کنم؟ یا به محبوبیت نداشته رضا پهلوی؟ یا بگویم بیا دل ببند به زیروروکشی‌های حامد

اوایل مهر ۱۴۰۲ تصاویری از دانشگاه تهران منتشر شد که بیشتر به دهه ۳۰ دانشگاه تهران شباهت داشت تا سالهای اول قرن ۱۵!

لیلا حسین‌زاده درحالی در جلسه دفاع خود حاضر شده بود که لباس حزب کومله بر تن داشت و دفاع خود را با نام دوتن از بزرگان کومله آغاز کرد. ابتدا به نظر می‌رسید، این تصاویر در دانشگاه چیز رایجی نیست و دانشگاه سریعاً راه جبران و تلاش برای جمع کردن ماجرا را در پیش خواهد گرفت. رییس دانشگاه در آنتن تلویزیون اذعان داشت که دانشجوی نامبرده در حالت تعلیق و اخراج بوده و اصلاً اجازه دفاع نداشته است. اما پس از مدتی مشخص شد، نمره دانشجو ثبت و مدرک تحصیلات تکمیلی او منظور گردیده است.

در سالگرد بلوای ۱۴۰۱ چرا باید تصور کرد این اتفاق بدون برنامه قبلی است؟ اتفاقاتی که از قضا از دانشگاه تغذیه می‌شد و اتفاقات خیابان کاملاً متأثر از دانشگاه بود. چطور می‌تواند در سالگرد بلوایی که درست کرده است، نسبت به بزرگترین دانشگاه کشور بی‌تفاوت بماند. قطعاً برای این‌کار دو سناریو پیش رو بوده که از دو دیدگاه خارج نیست: دیدگاه اول برای جری کردن دانشجویان یاغی و جامعه گریز است. اگر دانشجویی باشد که سرش برای قانون‌شکنی درد می‌کند اما انگیزه‌ای ندارد، چگونه باید او را تشجیع کرد؟ با انتشار یک فیلم از جلسه دفاع یک دانشجو که سر تا ذیل دفاعش خلاف قوانین آموزشی و آکادمیک است. از نوع پوشش تا اشکالات اداری و قانونی تا حتی نوع صحبت کردن، همه و همه دهن‌کجی به قوانین دانشگاه تهران است. برای دانشجویی که دلش می‌خواهد کمی هم آتش بسوزاند، انگیزه زیادی فراهم می‌کند. به قول



ریشخند به کلمه‌ی «صلح»

ماجرای تعلق صلح نوبل به خانم نرگس محمدی و واکنش‌های معاندان و اصلاح‌طلبان به این واقعه

● زهرا عظیمی - کارشناسی علوم تربیتی

تازه‌ای نیست! اصلاح‌طلبان ایران متأسفانه به اصلاح سیاسی و اجتماعی واقعی در طی این سالیان نپرداختند. آنچه بیشتر به آن علاقه‌مند هستند حفظ قدرت و جایگاه خود است.

هدف صلح نوبل امسال؟ برنده شدن نرگس محمدی هم در واقع یک هدف داشت! اینکه چهره‌ای ضد ایرانی که از فعالان بلوای زن زندگی آزادی بود بولد شود و در رسانه‌ها به شهرت برسد! برنده شدن نوبل توسط نرگس محمدی در واقع یک ابزار تبلیغاتی برای افزایش شهرت او و ماندگار شدن یک چهره از اغتشاشات ۱۴۰۱ جمهوری اسلامی بود. برای تحقق هر چه بیشتر این هدف هم اصلاح‌طلبان نقش خود را ایفا کردند. هدف همراهی اصلاح‌طلبان با این جریان؟!

اینکه خانم آذر منصوری به عنوان رییس جبهه اصلاحات، علنا برخلاف منافع ملت ایران از خود موضع نشان دهد و پیام تبریک دهد، دلیلی جز اینکه پازل چهره کردن هر چه بیشتر نرگس محمدی کامل شود و آشوب‌های پاییز سال گذشته، با یک نماد جهانی، ماندگار شود، نداشت! اما بدا به حال عده‌ای که رهبران حزب‌شان، شخصیت‌هایی مثل آذر منصوری هستند!

اینکه دقیقا اصلاح‌طلبان هم‌موضع با مریم رجوی، جو بایدن و وزیر امور خارجه رژیم اشغالگر اسرائیل باشند، اوج بی‌شرافتی است. دانشجویان و مردم باید آگاه باشند که جریان اصلاحات به چه انحرافی کشیده شده که رهبران آن، حاضراند برای بستن با کدخدا، پشت پا به امنیت و منافع ملت ایران، ارزش‌ها و اصول اساسی دینی بزنند.

فعالیت ضد ایرانی کار اصلی آنهاست؛ چه در ساحت رسانه و چه در عرصه حقوق بشر!

چه کسانی به برنده صلح نوبل تبریک گفتند و هدفشان چه بود؟

فرح پهلوی، برنده شدن نرگس محمدی را «نمودی از اهمیت مبارزات آزادی‌خواهانه زنان ایرانی در نگاه جهانیان» دانست. او در پیام خود گفت که این رویداد موجب «توجه و کمک بیشتر جامعه جهانی به مبارزات ملت ایران برای پایان‌بخشی به این شب دراز می‌شود». خیلی جالب است! خانم پهلوی که با خفت تمام از کشور گریخت، با کمال وقاحت از اهمیت مبارزه زنان ایرانی در مقابل نظام جمهوری اسلامی می‌گوید!

مدیر عامل سازمان اتحاد علیه ایران هسته‌ای، مارک والاس هم از الهام‌بخش بودن فداکاری‌های خانم محمدی برای زنان ایرانی و تمام زنان جهان گفت! جو بایدن، دبیر کل ناتو، صدراعظم آلمان، نماینده ویژه آمریکا در امور ایران و سایر شخصیت‌های سیاسی علیه ایران هم در پی این رویداد، پیام‌های تبریکی ابلاغ کردند. بعلاوه وزارت خارجه رژیم اشغالگر اسرائیل هم در توییتری این اتفاق را تبریک گفت.

مریم رجوی و مولوی عبدالحمید هم از چهره‌های دیگری بودند که این رویداد را تبریک گفتند!

زهرا رهنورد و آذر منصوری هم از چهره‌های اصلاح طلب داخل کشور بودند که پیام‌های تبریک ویژه‌ای به نرگس محمدی در شبکه‌های اجتماعی منتشر کردند! اینکه اصلاح‌طلبان تنها به نفع خودشان و منافع حزبی خود عمل می‌کنند و از تحقق اهداف واقعی و ملی عقب‌نشینی می‌کنند، حقیقت

صلح نوبل امسال، به خانم نرگس محمدی تعلق پیدا کرد. جایزه صلح نوبل، یکی از آن پنج جایزه‌ی مشهور نوبل است که شاید بیش از بقیه حاشیه دارد و در جهان غوغا می‌کند. اهدای صلح نوبل همانا و واکنش چهره‌های سیاسی علیه جمهوری اسلامی مبنی بر تبریک این واقعه همانا!

خیلی از اساتید جامعه‌شناسی که هر سال در رویدادهای بین‌المللی‌ای که جمهوری اسلامی برگزارکننده آن است، به صراحت اذعان می‌کردند که این جشنواره‌ها اعتبار ندارند، زیرا سیاسی و ایدئولوژیک هستند! حالا در صفحات شخصی خود یا در مصاحبه با نشریات و مجلات مختلف بیان می‌کنند که اتفاقا جایزه صلح نوبل باید هم سیاسی باشد! نرگس محمدی به پاس تلاش‌هایی که کرد و رنج‌هایی که برای رعایت حقوق بشر متحمل شد، جایزه صلح نوبل برانزده‌ی اوست! پشت صحنه‌ی این واکنش‌ها؟!

عده‌ای که مشغول تبریک گفتن این رویداد بودند، به روشنی اذعان می‌کردند که از تعلق این جایزه به نرگس محمدی خرسند هستند! گویا یادشان رفته است که تلاش‌های خانم محمدی و امثال ایشان برای رعایت به اصطلاح حقوق بشر، موجب پایمال شدن حق حیات خیلی از افرادی شد که سرباز وطن اسلامی نام داشتند و برای امنیت جان مردم در خیابان‌های وطن، مظلومانه جان دادند.

اینکه جایزه نوبل به نفع آمریکا و امپریالیسم جهانی هدایت می‌شود، واقعیت جدیدی نیست! به ویژه اینکه امسال در کنار نرگس محمدی، چهره‌هایی مثل مصی علی‌نژاد هم کاندید بودند! چهره‌هایی که مشخصا

همیشه یک جای کار می‌لنگد

آنچه در مجلس مطرح می‌شود ولی اجرایی یا اصلاح نمی‌شود

● ریحانه صالحی‌فر - کارشناسی علوم تربیتی



اما یا نام آن عوض می‌شود، مثلاً به جای منع خشونت علیه زنان می‌شود، تأمین امنیت زنان یا طرح سیانت و کرامت بانوان، یا اینکه دائم از مُفاد آن حذف و دایره شمول آن محدودتر می‌شود. لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان هم در اوج ضرورت پس از دو دهه معلق بودن در نهایت توسط شورای نگهبان تأیید شد؛ اما باز این مورد هم یکسری ایرادها و خلاءهایی دارد که همه انتظار تنقیح آن را می‌کنند. لایحه مقابله با کودک همسری نیز یکی دیگر از موارد است که در دستور اجرا قرار گرفته؛ اما با توجه به شواهد، خیلی موفق نشده به ویژه در مناطق روستایی که تحت تأثیر ارزش‌های قومی و محروم هستند. اکثر صاحب‌نظران بر این عقیده هستند که قانون تصویب

صحن مجلس انتقال داده و تصویب کرده‌اند. اصول و قوانینی که به خوبی نوشته شده و توسط خبرگان و صاحب‌نظران هر حوزه و مسئولان بالاتر مجلس و دولت تأیید شده و دستور بر اجرا و نظارت آن‌ها صادر شده اما دقیقاً برعکس آن رقم خورده است. یک عقل سلیم اذعان می‌دارد که مشکل از اصل و ریشه این قانون نبوده بلکه یا نیاز به اصلاح دارد یا باید به خوبی اجرا شود تا نتیجه دهد. عقل سلیم متوجه این موضوع خواهد شد که مشکل اصلی از سیستم مدیریتی و عدم اجرای صحیح این قوانین در طی دوره‌های متوالی است. برای مثال لایحه منع خشونت علیه زنان پشت درهای بسته مجلس با وجود گذر ۶ سال از پیشنهاد شدن آن چنبره زده است؛

گاهی وقت‌ها از چه مسیری گذر کرده‌ایم که هر آنچه تلاش می‌کنیم باز هم نقص در امور از پیش روی ما کنار نمی‌رود؟ مباحث متعددی در زمینه‌های مختلف جامعه به ویژه مشکلات اجتماعی مطرح می‌شود که در راستای اصلاح آن‌ها قوانین زیادی وضع شده است؛ اما یا به شیوه صحیح اجرایی و به مراتب نظارت نمی‌شوند یا تصویب نشده‌اند یا حتی اگر تصویب هم شده باشند، سکوت مجلسیان باعث خاک خوردن این لوایح و قوانین در طاقچه منزل دولت می‌شود. در هر حوزه‌ای که شما فکر کنید از اجتماعی و فرهنگی گرفته تا سیاسی و اقتصادی و... دستورات فراوانی یا در قالب لایحه توسط دولت به مجلس ارسال شده یا خود نمایندگان طرح‌هایی را به

اینکه دستورالعمل‌هایی بر خلاف نص صریح قانون مورد تصویب قرار گرفته است و در صورت اجرا موجب آن می‌شود که امور در جهتی خلاف آنچه قانون‌گذار می‌خواسته حرکت کند. سایر متغیرهای مؤثر بر عدم اجرای قوانین و لوایح شامل عدم تناسب قانون با نیاز و خواست جامعه، عدم تناسب قانون با اقتضائات اجرایی، تورم و پراکندگی قوانین، نبود ضمانت اجرای مؤثر و ضعف در محتوای قوانین می‌شود. لازم به ذکر است دولت و مجلس به واسطه سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری تمهیدات ارزشمندی در جهت اجرایی شدن مصوبات مجلس و لغو مسکوت ماندن آن‌ها در نظر گرفته است.

طبق مطالعات انجام شده حدود ۱۰ راه‌برد جهت رفع این نواقص پیشنهاد شده است؛ از جمله استفاده از نظریات ذی‌نفعان و نهادهای قانونی مردم‌نهاد و مشارکت دادن آنان در فرآیند قانون‌گذاری در چهارچوب انطباق قوانین با نیازها و خواست عمومی، عنایت به ظرفیت‌های بروکراسی در خط مشی‌گذاری و تضمین در راستای اجرای قانون، بهره‌مندی از ایده‌ها، پیشنهادها و ظرفیت‌های کارشناسان و پژوهشگران در فرآیند قانون‌گذاری و قانون‌نویسی، توجه بیش از پیش به موضوع ارتقای کیفیت قوانین از طریق پیش‌بینی الزامات قانون برای نهادهای مرتبط با امر قانون‌گذاری و اهتمام قانون‌گذار به پیش‌بینی ضمانت اجرایی مناسب به عنوان ابزار برتر حقوقی در تضمین تحقق مصوبات مجلس.

مسئولان عالی رتبه کشور با رعایت و پیاده‌سازی این دستورالعمل‌ها، نگرش مردم را در باب اینکه خود را بازیچه و دستاویز سیاست‌های دولت و جهان می‌دانند، تغییر دهند و زمینه بهبود شرایط کشور و جامعه را در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را فراهم آورند.

متوجه این موضوع می‌شویم که حجم قابل توجهی از قوانین دچار سوء اجرا و عدم نتیجه‌بخشی می‌شوند. در دوره هشتم و نهم مجلس آیین‌نامه‌های مربوط به ۶۲ مورد از قوانین مصوب بر زمین مانده و خاک می‌خورد. همچنین مجلس شورای اسلامی در اولین سال دوره دهم ملزم شده که برای ۵۷ قانون مصوب خود ۱۱۰ فقره آیین‌نامه اجرایی و سایر مقررات اجرایی را توسط هیئت وزیران تهیه کند که فقط ۹ مورد به تصویب رسید. این آمار در سال دوم و سوم دولت نیز در صدر امور قرار گرفت. در سال دوم از ۵۴ فقره آیین‌نامه اجرایی تنها ۳ فقره به تصویب رسیده بود و در سال سوم نیز از ۳۰ فقره آیین‌نامه اجرایی فقط یک مورد تصویب شده بود.

با توجه به مشاهده شدن تعداد زیادی از قوانین اجرا نشده و مسکوت مانده، نباید در باب دولت و مجلس قضاوت یک‌سویه داشت، بلکه باید متغیرهای متفاوتی را در نظر گرفت. از جمله این متغیرها می‌توان به این مورد اشاره کرد که متأسفانه در عین حال که قوانین ابلاغ شده است، دستورالعمل‌های لازم برای عملی شدن آن‌ها به تصویب نرسیده است. به همین دلیل آن قانون معلق مانده یا

شده در اصل خوب است؛ اما به واسطه بی‌توجهی به متغیرهای فرهنگی، اجتماعی و قومی مؤثر ظاهر نشده است و راهکار حل این مشکل را فرهنگ‌سازی در سطح جامعه معرفی کرده‌اند. در این بین قانون مبارزه با مواد مخدر به گفته افراد ذی‌صلاح نیروی انتظامی بعد از تصویب آن چنان پیروزمندانه طی مسیر نکرده‌اند؛ به این دلیل که در این طرح مدت نگهداری افراد معتاد و متجاهر حدوداً ۲ تا ۳ ماه پیش‌بینی شده است؛ اما نکته اینجاست که در این مدت دولت و ارگان‌های مرتبط با این حوزه هزینه‌های زیادی را متحمل می‌شوند؛ زمان، مکان، منابع مالی و ... اما این زمان، زمان کمی است و موجبات عود اعتیاد و بازگشت به آن را توسط معتادین فراهم می‌آورد؛ چون تنها لزوم به جمع‌آوری افراد نیست، بلکه باید نگرش آن‌ها تغییر کند تا بهبود یابند. در غیر این صورت به نظر می‌رسد، هزینه‌ها غالباً بیهوده صرف شده تا جایی که سردار مؤمنی، دبیر ستاد مبارزه با مواد مخدر، در یک گفتگوی ویژه تأکید کرد که قانون مبارزه با مواد مخدر باید روزآمد باشد. در غیر این صورت منابع کشور در عرصه مبارزه هدر می‌رود. در راستای آمارهای نظارتی مجلس



محکوم به زوال

اسرائیل، هدف بلندمدت جبهه استکبار

اولین تجربه نویسندگی

فاطمه حشمت - کارشناسی میکروبیولوژی



سوره مبارکه اسراء آیه هفتم:
«فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا
وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا
دَخَلُوهُ أُولَٰئِكَ لِيُتَبَرَّوْا مَا عَلِمُوا
تَبْيِيرًا»

«هنگامی که زمان آخرین وعده (هلاکت یهود) فرا رسد، اگروهی را بر ضد شما می‌گماریم [تا صورت‌هایتان را] در اثر رعب و وحشت و فساد [اندوه‌بار کنند و داخل آن مسجد (مسجد الاقصی) شوند، همان‌گونه که مرتبه نخست داخل آن شدند و بر هر چه او هرکس که ادعای برتری دارد] دست یافته و به سختی نابود کنند.»

وجود غده سرطانی منطقه خاورمیانه به دنبال وقوع جنگ‌های جهانی رقم خورد و کشورهای اسلامی به جای حضور در جنگ از تبعات آن برخوردار شدند. منطقه قرارگیری فلسطین نقطه حساس قلب جهان اسلام است؛ چرا که سهراهی بین آسیا، اروپا و آفریقا قرار دارد. براساس گزارش تاریخ تشکیل حکومت یهودی در منطقه فلسطین بیش از آنکه آرزوی یهودیان باشد، خواسته و آرزوی انگلیسی‌ها به عنوان قدرت آن زمان بود؛ طوری که اسرائیل جهت جلوگیری از ایجاد حکومت‌های اسلامی قدرتمند در خاورمیانه که می‌آید دست چپاول و زیاده‌خواهی آن‌ها را در منطقه کوتاه کند، شکل گرفت. مردم یهود که قدرت جابه‌جایی یک آجر را در

فلسطین نداشتند، با حيله‌گری اراضی بزرگ و سرسبز فلسطینیان را با قیمت چند برابر از صاحبان آن‌ها که در آن زمان خود ساکن اروپا بودند، خریداری کردند. سپس شروع به اخراج زارعان و کشاورزان می‌کنند تا جنایات متعدد و توحش‌های بی‌سابقه در دنیا را آغاز کنند و بعدها با کشتار حدود ۳۵۰۰ نفر از فلسطینیان در اردوگاه صبرا و شتیلا، پاره کردن شکم زنان باردار فلسطینی در دیرباسین، کشتار حدود ۴۵۰۰ نفر در انتفاضه دوم، اعدام دسته جمعی در خان یونس، سوزاندن جنازه زنان و کودکان فلسطینی و لبنانی اوج سفاکی و بی‌رحمی را به نمایش جهانیان بگذارند. و این روزها نیز بمباران بیمارستان المعمدانی غزه و کشتن دست کم ۵۰۰ نفر اعم از بیمار، پزشک و آوارگان بی‌پناه که شامل زنان و کودکان نیز می‌شود و بمباران مدرسه، مسجد و

کلیسا که جمعا ۳۵۴۷ شهید و ۱۳۳۶۵ مجروح می‌شود. رهبر معظم انقلاب فرمودند: این صهیونیست‌ها، جز زبان زور، هیچ چیز نمی‌فهمند. چهل سال است که هر چه سازمان ملل نسبت به مسأله‌ی فلسطین، علیه صهیونیست‌ها قطعنامه صادر کرده‌است، این‌ها رد کرده‌اند. این‌ها لوس شده‌اند! اسرائیل با زور و سلاح و مشیت، عقب خواهد نشست. شنبه ۱۵ مهرماه جنبش مقاومت اسلامی و حماس یک عملیات گسترده را علیه رژیم صهیونیستی آغاز کردند. طوفان الاقصی بزرگ‌ترین عملیات مقاومت فلسطین علیه اشغالگران صهیونیست طی ۵۰ سال گذشته بوده است؛ به صورتی که با گذشت سه روز از آغاز این عملیات و پیروزی‌های متعدد مبارزان فلسطینی، رژیم صهیونیستی تنها به حملات هوایی به نوار

غزه بسنده کرده و نتوانسته است راهبرد مشخصی را در این نبرد دنبال کند و به نوعی دچار غافلگیری شده است. نگاهی به تحولات چندسال اخیر جنبش مقاومت، استراتژی خود را از دفاع به هجوم تغییر داده و فصل جدیدی از جنبش و مبارزه را آغاز کرده است. با توجه به روند وقایع به نظر می‌رسد که حماس و مقاومت انجام این استراتژی جدید را از سال‌ها قبل شروع کرده بودند و افزایش توان و آمادگی‌های رزمی و همچنین ورود به حوزه‌های جدید نظامی مانند رزم پهپادی و جنگ الکترونیک را که نشان‌دهنده توانایی مقاومت در اجرای جنگ هیبریدی است، در دستور کار خود داشته است. صهیونیست‌ها در جنگ‌های گذشته سعی در سانسور تعداد تلفات و مجروحین داشتند، این بار از عهده این کار برنیامدند تصاویر اسرا و کشته‌شدگان آن‌ها توسط نیروهای طوفان الاقصی منتشر شد که باعث تضعیف روحیه ارتش و سربازان آن‌ها شد. طوفان الاقصی سبب حیرت دوست و دشمن شد؛ به طوری که بزرگ‌ترین ارتش‌های عرب (سوریه، مصر و اردن) غافلگیر شدند و باعث از بین رفتن هیمنه پوشالی رژیم غاصب و آبروریزی و بی‌اعتباری آن‌ها در عرصه نبرد اطلاعاتی شد. همان‌هایی که ادعای داشتن قوی‌ترین سرویس اطلاعاتی جهان را داشتند، در ۶۰-۷۰ کیلومتری مقرشان چنین اتفاقاتی برنامه‌ریزی می‌شود و بی‌اطلاع می‌مانند.

سازمان حقوق بشر: گروگان‌های غزه غربی اما بعد از عملیات بزرگ و بی سابقه طوفان الاقصی به سبب بی‌حیثیتی اطلاعاتی، نظامی و سیاسی و پوشالی بودن قدرت

توخالی صهیونیست‌ها، خط قرمزها را رد کردند و دست به کشتاری وحشیانه زدند که نقض قوانین حقوق بشر بود. بمباران کردن بیمارستان‌های معمدانی و گرفتن جان‌سدها انسان بی‌گناه و بی‌پناه برای صهیونیست‌ها که بویی از ارزش‌های انسانی نبرده‌اند، با حس افتخار و پیروزی همراه می‌شود و موسسان آن‌ها یعنی آمریکای جنایتکار و انگلیس خبیث از بودن در کنار رژیم کودک‌کش و سفاکی چون اسرائیل احساس غرور و افتخار می‌کنند. از آن‌ها در دنیا چهره‌ای منفورتر از داعش به وجود آمد. البته طبق فرمایش رهبری آن‌ها قماربازانی هستند که بر روی اسب بازنده شرط می‌بندند. بسیاری از کشورهای دنیا از جمله کشورهای اسلامی و سایر کشورها مانند ایتالیا، کانادا و روسیه این فاجعه را محکوم کرده و آن را نقض قوانین حقوق بشر می‌دانند. دبیر کل سازمان ملل متحد هم صرفاً با انتشار بیانیه‌ای به محکوم کردن این اقدام اکتفا کرد. با وجود شرایط سخت و طاقت فرسایی چون قطع برق و سوخت و نبود آب و غذا و زیر آوارماندن تعدادی از مردم مظلوم فلسطین، کشورهای غربی از پذیرش قطعنامه پیشنهادی روسیه جهت آتش‌بس و جلوگیری از گسترده شدن و توسعه یافتن جنگ، آن‌ها با بهانه‌های دروغین چون، عامل بحران کنونی غزه حماس است و یا نسبت دادن اقدامات تروریستی به گروه‌های مقاومت که تنها در دفاع از مردم و خاک خود مبارزه می‌کنند سرباز می‌زنند. بی‌شک آمریکا، انگلیس و تمام هم‌پیمانانشان مسئول تمامی جنایت‌های رژیم صهیونیستی خواهند بود.

امام موسی صدر در رابطه با اسرائیل می‌گوید: «اسرائیل شرّ مطلق است. اسرائیل ضد اسلام، ضد مسیحیت، ضد ایمان، ضد قومیت عربی، ضد انسانیت و ضد میهن است. بدتر از اسرائیل در جهان وجود ندارد. ما اسرائیل را شرّ مطلق می‌دانیم. بدتر از اسرائیل در جهان وجود ندارد. اگر اسرائیل و شیطان با یکدیگر بجنگند، ما در کنار شیطان می‌ایستیم. اگر اسرائیل با چپ بجنگد، ما در کنار چپ خواهیم ایستاد. اگر اسرائیل با راست بجنگد، در کنار راست خواهیم ایستاد. این است معنای «اسرائیل شرّ مطلق است». من شخصا در حد مطالعاتم هیچ نهادی را خطرناک‌تر از اسرائیل نمی‌شناسم.»

با تمام رنج‌ها و مصیبت‌هایی که رژیم کودک‌کش بر دل و جان ملت عزتمند، مقاوم و مظلوم فلسطین وارد کرده است آن‌ها پای و جب به جب سرزمین خود ایستاده‌اند، تکه پاره‌های قلبشان را از زمین جمع می‌کنند و کفن‌پوش کرده و در سینه خاک می‌گذارند. تا آخرین قطره خون مبارزه می‌کنند و شیرزنان همچون مردان جنگی در این جنگ‌های سرنوشت‌ساز ایستادگی می‌کنند تا تمام خاک فلسطین اشغالی و اراضی ۱۹۴۸ را باز پس بگیرند. به برکت خون شهدای پاک و بی‌دفاع غزه امروز جنگ‌های رسانه‌ای که دشمن سال‌ها به راه انداخته، مردم جهان آگاه به واقعیات شدند و همگی در محکومیت جنایات انسان‌نماها به پا خواسته‌اند و نظام جمهوری اسلامی ایران در کنار این مردم خواهد ایستاد و به یاری خدا یاری‌شان خواهد کرد.

ششمین صفحه‌ی اختصاصی بررسی فضای سیاسی دانشگاه الزهرا

ضعف مدیریتی یا کم‌کاری؟

● نرگس خطیب دماوندی - سردبیر نشریه بی‌تعارف

بیان می‌شود، بحث کمبود بودجه در مسائل مختلف است. سوال مهم اینجاست، بودجه تخصیص یافته به دانشگاه کجا خرج و صرف می‌شود که هر جای دانشگاه که مراجعه می‌کنیم اذعان می‌شود که بودجه کمی وجود دارد؟ آیا باید بپذیریم که تمامی بخش‌های دانشگاه صرفاً با کمبود بودجه مواجه است و مسئله دیگری در میان نیست؟

تمام این مسائل و مسائل این‌چنینی مستقیماً به مدیریت مربوط است. حال ممکن است این نحوه اداره به نبود توان مدیریت کافی اشاره داشته باشد که قاعدتاً با وجود شناخت هر فرد از خود نباید مسئولیتی به این سنگینی را قبول کرد که آن مسئولیت به فرد لایق و توانمندتری سپرده شود؛ یا آنکه تمام این مشکلات مرتبط به کم‌کاری و کم‌اهمیتی مسئولین دانشگاه است و صرفاً قصد دارند که حقوق ماهیانه خود را دریافت کنند و برای خالی نبودن عریضه گاه‌گاهی کاری را نصفه و نیمه و از سر سیری انجام دهند؛ که خب در این‌صورت از مسئولیت خود شانه خالی کرده‌اند و نسبت به دانشجویان دانشگاه ظلم روا داشته‌اند.

در طبقه پایین نوع دیگری از اشکالاتی است که به مدیریت وارد است. قطعاً ارائه اغذیه به عددی حدود ۲۰۰۰ دانشجوی ثابت از عهده و توان ۴ خط خارج است و نیازمند تدبیری است که باید قبل از شروع ترم به آن فکر می‌شد. در کنار همه این موارد احساس می‌شود توجه کافی و وافی به مسائل و درخواست‌های دانشجویان وجود ندارد و مواردی که در جهت رفاه دانشجویان پیش از ترم باید تهیه و آماده می‌شد حال پس از گذشت چند وقتی از ترم در حال اجرا شدن است.

این مسائل تنها محدود به سلف نیست، بلکه دامن بخش گسترده‌ای از دانشگاه را نیز گرفته است؛ از خوابگاه، رستوران یاس، مسجد و... گرفته تا نبود وسایل و امکانات لازم برای تدریس اساتید در کلاس‌های درس و کمبود موارد کمک درسی و آموزشی. برای این کمبودها باید فکری ریشه‌ای کرد و آن را از بیخ و بن حل نمود. نه آنکه مسکن‌های موضعی را تجویز کرد تا موقتاً درد ساکت شود تا بعد فکری به حال مشکلات کرد.

یکی از جملاتی که بعضاً در دانشگاه مد شده و در هر بخشی از دانشگاه

۲۹ مهرماه، عده‌ای از دانشجویان دانشگاه در اعتراض به کیفیت مقدار غذای سلف و مسائل این‌چنینی غذاهای خود را پس از دریافت، کف زمین سلف چیده و آن را رها کردند. این اتفاق در حالی رخ داد که بارها رابط صنفی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه مکرراً پیگیر این مسائل شده و بارها با جواب‌هایی برای راحتی و از سر باز کردن، روبه‌رو شده است. سوال مهم اینجاست که چرا باید نظارت بر کیفیت، مقدار غذای تهیه شده و... به حدی ضعیف و ناامید کننده باشد که دانشجویان دست به چنین اقداماتی بزنند؟

این اعتراض که چند روز بعد به شبکه‌های معاند رسید دلایل زیادی دارد، به قطع می‌توان گفت یکی از این دلایل مسئله نحوه مدیریت است. حل برخی مشکلات با تدابیری ساده امکان‌پذیر است. برای مثال در خصوص نحوه ارائه غذا، کافی بود تعداد کارگران ارائه‌کننده غذا افزایش یافته تا حداقل دانشجویان برای گرفتن غذا در صف‌های بعضاً طولانی منتظر نمانند.

بستن خطوط بالایی سلف و ارائه غذا



بانک‌ها غلط می‌کنند بنگاهداری کنند

مصاحبه من باب بانکداری اسلامی در ایران

مصاحبه با

● دکتر حسین درودیان - دانش‌آموخته‌ی مقطع دکتری اقتصاد در دانشگاه تهران

کاری از نرگس خطیب دماوندی
قسمت دوم

بانکداری. یک بحث نقدینگی است که مشتری بیاید و پولش را بخواهد که ما می‌دانیم اگر در نظام بانکداری این اتفاق بیفتد، بانک‌ها تاب نمی‌آورند و توان ندارند. موضوع بعدی، ریسک اعتباری است. به این معنی که دارایی‌های بانک سوخت بشود و از بین برود. خب روی کاغذ اگر به‌واقع نظام مشارکت در سود و زیان پیاده بشود، چون سپرده‌گذاران شریک هستند در اینجا (تسهیلات گیرنده‌ها) در یک نظام مشارکتی کامل ریسک اعتباری دیگر معنی نمی‌دهد. به این معنی که بانک ناگهان با سوخت دارایی روبه‌رو بشود؛ چون اگر با سوخت دارایی مواجه بشود، دقیقاً معادلش سوخت سپرده هم هست؛ یعنی سپرده‌گذاران هم باید زیان ببینند. لذا، ریسک اعتباری خیلی اینجا موضوعیت پیدا نمی‌کند ولی ریسک نقدینگی چرا؛ چون بانک بالآخره درگیر سرمایه‌گذاری‌هایی شده است که ممکن است ریسک نقدینگی، ریسک جدی باشد. گرچه به طور کلی، ریسک نقدینگی را در اقتصاد امروز با نگهداری یک بخشی از دارایی نقد و همچنین با حمایت‌های بانک مرکزی با این شیوه‌ها پوشش می‌دهند ولی از آنجایی که گفتیم در بانکداری مشارکت در سود و زیان یک بار سنگینی است، بانک توان قابل توجهی می‌خواهد، هم به لحاظ دانش، هم به لحاظ اجرایی و هم به لحاظ کنترل کردن، دانشی که نیروی انسانی باید داشته باشد، غلبه‌ای که بکند بر چالش‌هایی مثل همان اطلاعات نامتقارن بین بانک و عامل آن صاحب پروژه و مسائلی مثل فساد و... به هر حال از این حیث می‌توان گفت که درحقیقت اگر بخواهد

و می‌تواند یک سری از اطلاعات را پنهان بکند و چالش‌های جدی که توی این به اصطلاح به‌نام (Moral hazard) یا خطر اخلاقی می‌تواند به وجود بیاید و این کار برای بانک یک بار جدی و سنگینی است. مشارکت در سود و زیان باعث می‌شود ریسک زیادی برای بانک به‌وجود بیاورد ولی خب آثار اقتصاد کلانی آن آثار خوبی است. درمقابل، قراردادهای با سود ثابت وجود دارد که اجرای آن راحت‌تر و بدون دردسر است. کالایی را می‌گیرد و به صورت اقساطی می‌فروشد و درگیر فرآیند تولید نمی‌شود ولی آثار اقتصاد کلانی یک مقداری به همان سیستم ربوی نزدیک می‌شود ولی به طور کلی در همه‌ی این‌ها یک چیزی رو بپذیریم و آن این است که ایده‌ی اساسی در بانکداری اسلامی، پیوند بین بانک و بخش واقعی است که به‌واقع در همه‌ی مواردی که اشاره شد، همین‌طور است. می‌توان گفت که بانکداری اسلامی موجب می‌شود که اقتصاد کمتر در اقتصاد بین بخش پولی و واقعی، واگرایی و انحراف و اختلاف به‌وجود بیاید و آسیب‌هایی که به وجود می‌آید مثل حباب‌های دارایی کاهش پیدا کرده و کمینه بشود.

ضعف‌های موجود در نظام بانکداری با شیوه‌ی بانکداری اسلامی حل خواهد شد؟

وقتی می‌گوییم ضعف‌های موجود در نظام بانکداری اسلامی، باید دید منظور از ضعف چه مواردی است؛ چون یک فهرست نسبتاً قابل توجهی اینجا قابل احساس است. بانک‌ها با دو موضوع اصلی که موجب خطر برای بانک‌ها می‌شود روبه‌رو می‌شوند؛ چون سؤال اشاره می‌کند به ضعف‌های نظام

اجرایی‌سازی ایده‌ی بانکداری اسلامی چه تأثیری روی اقتصاد کشور خواهد گذاشت؟ ایده‌ی بانکداری اسلامی ادعا می‌کند که ایده‌ی فرامگانی است که اگر پیاده بشود، به هر نحو تأثیری روی اقتصاد کشورها خواهد داشت. اگر آن وجه حقوقی و غیرربوی بودن اجرا و پیاده بشود، اثر آن بحثی حساس است و بستگی دارد که چه قالب عقود و قراردادهایی به جای آن قرض ربوی به‌کار گرفته بشود؛ چون قالب‌های قراردادی موجه و مشروع، متنوع است و هرکدام آثار و تبعات متفاوتی دارد. در یک تقسیم‌بندی کلی قراردادهای مشارکتی و غیرمشارکتی است. قراردادهای مشارکتی یعنی بانک با وام‌گیرنده وارد شراکت شده که این یک آثار و عواقب و تبعاتی دارد، هم از حیث اثرات اجرا بر اقتصاد و هم از حیث امکان‌پذیری چالش‌های اجرایی آن، یک بحث است.

قراردادهایی وجود دارد که به آن مبادله‌ای یا سود ثابت گفته می‌شود؛ مثل بحث‌های فروش اقساطی که خب در اینجا بانک قرضی به شخص وام‌گیرنده نمی‌دهد ولی یک کالایی را به او به صورت قسطی می‌فروشد و یک سود ثابتی می‌گیرد. اینجا هم از حیث اثرات اجرا بر اقتصاد و امکان‌پذیری، جواب‌های متفاوتی دارد.

اگر نظام مشارکتی پیاده‌شود، هزینه‌های تولید در اقتصاد کاهش پیدا می‌کند و سطح تولید افزایش پیدا می‌کند ولی چالش جدی در اجراپذیری قراردادهای مشارکتی است. به این علت که بانک نهادی است که ریسک‌گریز است و به طور کلی هر عاملی که با یک مجری اصلی شریک می‌شود، آن مجری اصلی اطلاعات بیشتری دارد و روی موضوع مسلط‌تر است

حقتش ادا بشود، هزینه‌های اجرایی قابل توجهی به بانک و شبکه‌ی بانکی تحمیل می‌کند. اگر مطابق آنچه که نوعاً دیده شده در بانکداری اسلامی (تجربه‌های عملی آن)، بانکداری اسلامی برود به سمت قراردادهای با بازه‌ی ثابت، یعنی کلاً بانک به مشتری بگوید که شما با این پول می‌خواهید چه کار کنید؟ هرچه که می‌خواهید را من (بانک) می‌خرم و به تو قسطی می‌فروشم؛ یعنی با اضافه‌شدن یک مرحله بروکراسی درحقیقت همان کاری که در سیستم بانکی متعارف انجام می‌شود، اینجا هم انجام بشود. خب یک مقدار هزینه‌ی بانک را بالا می‌برد این کار که می‌تواند خیلی جزئی هم باشد؛ اما مادامی که این واقعاً اجرا و پیاده می‌شود به این معناست که بخش بانکی، بخش پولی پیوند دارد با بخش حقیقی کالا و خدمات. این درحقیقت می‌تواند کاهش بدهد مسئله‌ی ریسک اعتباری را که ناشی از تزریق تسهیلات بانکی به اقتصاد حباب است. گرچه البته روی کاغذ این فروش اقساطی می‌تواند همچنان روی کالاها و دقیق‌تر بخواهیم بگوییم به اصطلاح روی دارایی موجود باشد، مثل اینکه برای یک زمینی این اتفاق افتاده باشد یا برای طلا این اتفاق بیفتد؛ یعنی همان دارایی‌هایی که عملاً دارایی‌های سفته‌بازی است، آن‌ها هم درحقیقت قالب فقهی قرارداد درست است ربوی نیست ولی کارکرد اقتصادی آن در خدمت همان اقتصاد حباب است. لذا، از این حیث می‌توان گفت که اگر بانکداری اسلامی در معنی موسع خود در نظر گرفته بشود، دیگر فقط بحث ربوی نبودن نیست بلکه ملاحظه و رعایت مصالح جامعه‌ی اسلامی، جامعه‌ی مسلمین هم هست و همچنین کارکردهایی برای مصالح مسلمین هم بوده و در این صورت می‌توان گفت که مقوله‌ی ریسک اعتباری در نظام بانکداری اسلامی مدیریت و کنترل بهتر و ساده‌تری انجام می‌شود و سطح ریسک اعتباری هم تنزل پیدا می‌کند. درباره‌ی ریسک نقدینگی هم همان‌طور که عرض کردم در حالت مشارکت سود و زیان که اساساً ریسک نقدینگی وجود ندارد؛ چون سپرده‌گذار پول آن را داده و شریک شده در یک فعالیت و تا آن عمل ثمر ندهد، اصلاً قرار نیست ادعای پولش را داشته باشد. حالا می‌تواند بازار ثانویه شکل بگیرد در آنجا و سهم شریکی

خودش را بفروشد ولی بانک تعهدی ندارد برای سیستم خالص مشارکت در سود و زیان و در سیستمی از بانکداری اسلامی که تمرکز دارد روی عقود با بازدهی ثابت. ما می‌توانیم بگوییم هیچ دلیلی ندارد که تصور کنیم ریسک نقدینگی نسبت به بانکداری متعارف تفاوتی دارد.

سایر سازوکارهای اقتصادی کشور چه تأثیری روی سیستم بانکداری اسلامی دارد؟

خیلی از موارد هستند که روی بانکداری اسلامی تأثیر دارند و همچنین نظام بانکداری اسلامی خیلی تأثیرپذیر از چارچوب کلی نظام پولی است. چارچوب کلی نظام پولی بسیار مؤثر است بر امکان‌پذیری اجرای بانکداری اسلامی. به‌طور مشخص وقتی در سیستم پولی ما در رأس سیستم نرخ‌های ثابت داریم که می‌شود مثلاً نرخ بین بانکی، نرخ تعامل بانک مرکزی با بانک‌ها، خب یک پی نرخ ثابت ریخته می‌شود در نظام پولی. فلذا، مشارکت در سود و زیان غیرممکن است؛ چون بانک دائماً با یک هزینه فرصت یا با یک هزینه صریح روبه‌رو هست و این موضوع مانع از این می‌شود؛ یعنی همیشه اگر بر فرض، نرخ بازار بین بانکی ۲۰ درصد است بانک نگاه می‌کند، می‌بیند که من اینجا ۲۰ درصد را دارم از دست می‌دهم پس وارد این فعالیت مشارکت در سود و زیانی همیشه یک سایه‌ی نرخ ثابتی سنگینی می‌کند بر سیستم بانکی که خب اگر قراردادهای با بازه‌ی ثابت باشد، دیگر این چالش وجود نخواهد داشت. این است که به هر حال نوع مناسباتی که در نظام پولی وجود دارد، عملاً کیفیت بانکداری اسلامی را تحت تأثیر قرار می‌دهد یا شرایطی که وجود دارد در نظام حقوقی، هر قدر که نظام حقوقی، حقوق قراردادهای، حقوق مالکیت، قوه قضائیه، ضعیف‌تر و آسیب‌پذیرتر باشد خب خیلی از این قراردادهایی که در بانکداری اسلامی وجود دارد، واقعاً قابل اجرا نیست؛ یعنی ریسک بانک را بسیار افزایش می‌دهد. یعنی بانک تصور می‌کند اگر بانک بر فرض متوجه تخلفی بشود توسط آن شریک، این را در نظام قضایی و قانونی نمی‌تواند پیش برد و در نهایت مجبور می‌شود تا به

نحوی کوتاه بیاید و تن به مصالحه بدهد و خب این کاملاً تأثیر می‌گذارد روی تمایل نظام بانکی یا تابعیت از بانکداری اسلامی. چشم‌انداز کلی اقتصاد، افق‌های سرمایه‌گذاری این‌ها همه روی عملیات بانکداری اسلامی اثر می‌گذارد؛ یعنی هر قدر بهتر باشد، این چشم‌انداز خب سهل‌تر می‌کند اجرای قراردادهای بانکداری اسلامی را و همین‌طور هم می‌شود گفت مثلاً نظام آموزشی، چون به هر حال سیستم بانکداری اسلامی نیازمند پرسنل قوی‌تر و با دانش‌تر و متعهدتری است و اگر نظام آموزشی و تربیتی نتواند نیروی انسانی لازم را تربیت بکند، خب اجرای آن، اجرای منویات بانکداری اسلامی که یک مقداری به نسبت بانکداری متعارف وجه بروکراتیک بیشتری دارد می‌تواند با آن مانع و چالش جدی مواجه بشود.

آیا شما معتقد هستید که نظام بانکداری ایران صرفاً بدون ربا است و اسلامی نیست؟

بنده فکر می‌کنم نظام بانکداری ایران هم درجهایی ربوی است؛ یعنی سابقه این را نشان داده به دلیل اینکه یک جاهایی قراردادهای یا مشارکت‌ها و حتی فروش اقساطی کاملاً جنبه‌ی صوری دارد و طرفین نسبت به صوری بودن آگاهی دارند؛ پس هم جنبه‌ی تا حدی ربوی دارد و هم به دلیل اینکه مجموعاً در خدمت مصالح جامعه‌ی اسلامی نیست؛ چه آنجایی که توسط دولت از نظام بانکی بهره‌برداری می‌شود برای پوشش کسری‌های خودش هم به‌ویژه آنجایی که توسط اشخاص، توسط بانکداران مورد استفاده قرار می‌گیرد، اگر نگوئیم سوءاستفاده؛ برای تأمین مالی خود و کسب‌وکارشان، از این حیث به‌وضوح با مصالح عمومی جامعه‌ی مسلمین سازگاری ندارد. می‌توان گفت نظام بانکی ما از هر دو جهت هم ربوی بودن، هم معیار سازگاری با مقاصد شریعت و منافع عمومی مسلمین عقب‌افتادگی‌های زیادی دارد.

حرکتی که منتهی به انقلاب اسلامی شد

مروری بر حضور موثر مردم کرمان در روز ۲۴ مهر ۵۷

● فاطمه پیروزی‌نیا - کارشناسی ادیان و عرفان

۱۷ شهریور که یکی از مهم‌ترین روزها در تقویم انقلاب اسلامی محسوب می‌شود، روز شهادت بسیاری از هم‌وطنانمان به دست رژیم منحوس پهلوی است که چهلیم آنها مصادف می‌شود با سالگرد سید مصطفی خمینی فرزند روح‌الله. در این روز مردم متحد و متعهد ایران، طبق معمول در سرتاسر کشور گرد هم آمده و مراسمات باشکوهی برگزار کردند؛ فارغ از اینکه بارها توسط این رژیم نقره داغ شده و جای زخم‌های فراوانی در روح و جانسان باقی مانده بود. مردم غیور کرمان نیز در این روز مانند دیگر هم‌وطنانشان برآمدند تا به عهدشان عمل کنند.

از خانواده خداحافظی می‌کنم و سریع با موتورم به سمت مسجد می‌روم. نمی‌توانم منتظر بمانم. دل در دلم نیست برای حضور در مسجد.

موتور را جلوی درب شرقی پارک می‌کنم و داخل مسجد می‌شوم. جمعیت بسیار زیاد است بعدها شنیدم که ۲۰ هزار نفر در مسجد حضور پیدا کرده بودند. به سختی یک‌جای خوب پیدا کرده و نشستم.

قاری قرآن بالا می‌رود و چند آیه قرائت می‌کند.

بعد از آن آیت الله صمدانی بالای منبر می‌رود. مردم صف جلو به احترامشان بلند می‌شوند. ایشان شروع به سخنرانی و قرائت خطبه می‌کنند.

مردم آرام و بدون حتی شعار سر دادن نشسته و به سخنرانی گوش فرا می‌دهند. در همان زمان بیرون از مسجد نیروی نظامی و چندی از مردم اجیر شده و به عبارتی کولی‌ها چماق به دست منتظر دستوری از بالاسری خود هستند. دقایقی می‌گذرد که همه‌های از درب شرقی مسجد توسط همان کولی‌ها به گوش‌مان می‌رسد. عده‌ای از مردم وقتی همه‌ها را می‌شنوند خیال می‌کنند که آنها گروهی از انقلابیون هستند و با شعار مرگ بر شاه خائن به سمت درب شرقی می‌روند تا درب را باز کنند. در آن هنگام با تیراندازی پلیس مواجه شده و درب شرقی را می‌بندند. مردم در مسجد و مسجد در محاصره زاغه نشینان و پلیس‌ها می‌شود. در این هنگام گروهی از مهاجمان با چوب و چماق نوک تیز که برای ایجاد ترس در مردم تهیه شده بود از میدان مشتاقیه به سمت درب شرقی مسجد حرکت کرده‌اند و شعار جاوید شاه بر سر داده‌اند.

آنها سعی می‌کنند درب شرقی را باز کنند اما پس از اینکه موفق نمی‌شوند شروع به

آتش زدن موتورها و دوچرخه‌های مردم که جلوی درب پارک شده است می‌کنند. آتش از درب شرقی بالا می‌رود و آن را می‌بینیم و می‌ترسیم.

با آتش زدن وسایل نقلیه یعنی موتور و دوچرخه توانستند به بالای پشت بام مسجد راه پیدا کنند. آنها در آن هنگام از بالای پشت بام شروع می‌کنند به پرت کردن آجر و سنگ به سمت مردم. همزمان پلیس وارد حیاط مسجد شده و تیراندازی به سمت مردم را آغاز می‌کند. ترس شدیدی در وجودمان افتاده به همین دلیل به سمت شبستان حرکت کرده و آنجا پناه می‌گیریم.

پلیس از حفره‌هایی در پشت بام و جاهای مختلف شبستان، گاز اشکاور و خفه کننده به داخل شبستان پرتاب می‌کند.

نفس برایمان به شدت تنگ می‌شود صدای سرفه شنیده می‌شود. چشم‌ها به سختی می‌بینند از چند متر آنطرف‌تر صدای داد و جیغ شنیده می‌شود نزدیک‌تر می‌روم سعی می‌کنم بینم. متوجه می‌شوم که آیت الله صالحی آسیب دیده و مردم ایشان را می‌گیرند و از مسجد خارج می‌کنند.

دیگر تحمل آن فضای بسته برایمان سخت می‌شود همگی از آنجا از شبستان خارج می‌شویم و در حیاط پراکنده شده و سعی می‌کنیم از مسجد فرار کنیم.

همینطور که به سمت درب خروج می‌روم می‌بینم یکی از آقایون حاضر در مسجد در حال فرار با گلوله به سرش به شهادت می‌رسد. پاهایم سست میشود و از ترس روی زمین می‌افتم. اما سعی میکنم بلند شوم و به سمت در حرکت کنم.

در آن طرف هم یکی از هم‌وطنانم را می‌بینم که روی زمین افتاده و اسیر چوب و چماق کولی‌ها شده و راه فراری ندارد. خیلی دلم می‌خواهد بروم و کمکش کنم اما متوجه می‌شوم که گروهی از مهاجمان به دنبال من می‌دوند. سرعتم را زیاد می‌کنم و از مسجد خارج می‌شوم. چند متری را می‌دوم در یکی از کوچه‌ها مخفی می‌شوم بعد از چند دقیقه به بیرون از کوچه نگاه می‌کنم. مهاجمان همچنان می‌دوند آنها حتی به مغازه‌های بین راه هم رحم نمی‌کنند آن‌هایی که صاحبشان متدین به نظر می‌رسد شیشه‌های دکانشان را شکسته و آن دکان را به آتش می‌کشند.

آن روز به سختی خودم را به خانه می‌رسانم.

صبح روز بعد وقتی حمام بهتر می‌شود به مسجد جامع سر می‌زنم متوجه می‌شوم که بعد از خروج مردم از مسجد جنایتکارانی که به مسجد حمله کرده بودند شیشه‌های مسجد را شکسته کتب ادعیه و قرآن را جمع کرده به همراه فرش‌ها و وسایل مسجد به آتش کشیده بودند. این جنایات تا پاسی از شب ادامه داشت.

چند روز بعد توسط یکی از دوستان شنیدم که آن کسی که جلوی چشم من با گلوله شهید شد آقای محمد با قدرت چوپاری بود و همچنین خبر تاسف بار اینکه آن هم وطنی که زیر چوب و چماق بود چند روز بعد شهید شد. آقای غلامرضا یزدان شناس

خوشبختانه در ماه‌های بعد ملت ایران شاهد اتفاقات خوشایند و امیدوار کننده‌ای بود. از جمله این اتفاقات موضع گرفتن علمای معروف مانند آیت الله مرعشی نجفی و آیت الله گلپایگانی در تهران با آیت الله قاضی از تبریز و چندی از علمای دیگر بودند.

در ادامه قیام و تظاهرات گسترده در سرتاسر کشور علیه دولت برای این جنایت صورت گرفت که شدیداً رژیم پهلوی را به وحشت انداخت تا حدی که به مردم وعده تحقیق دادند.

بعد از این اتفاق امام خمینی طی یک سخنرانی فرمودند (خودشان ریختند یک دسته را کشتند و بازار را آتش زدند در مسجد انسان‌ها را خفه کردند بعد می‌گویند که چه کسی کرد؟! اعلی‌حضرت می‌خواهد این را مجازات کند. در حالی که خود او بود که این جنایت را مرتکب شد.)

می‌توان گفت آن آتشی را که آن کولی‌ها و مهاجمان اجیر شده در مسجد راه انداختند آنقدر بالا رفت و ادامه پیدا کرد که تا اعماق ارکان رژیم منحوس نفوس پیدا کرد تا دودمانش را به باد داد.

با نگاه کوتاهی به تاریخ متوجه خواهیم شد که چگونه این حضور مردم اثرگذار بوده. و حق طلبی آنها و اسلام ستیزی و جنایات همیشگی رژیم پهلوی را به ثبت رسانده است. در روز ۲۴ مهر ۱۳۵۷ مردم همگی در مراسم شرکت کردند. چهار ماه بعد در روز ۲۶ دی شاهد فرار شاه از کشور و ماه بعد از آن چشم‌مان منور به ورود امام خمینی به کشور شد.

تشکیلات ابراهیم

پیرامون سازوکار فعالیت شیعیان در نیجریه

● معصومه عباس قربانی - کارشناسی ارشد تاریخ تمدن و ملل



شیخ ابراهیم زکراکی در (پانزده شعبان ۱۳۷۲) در شهر زاریا در یک خانواده مذهبی در نیجریه به دنیا آمد. او اهل سنت مالکی بود. جد شیخ ابراهیم از فقهای زمانه خود و از مبارزان استعمار در آفریقا بود. او تحصیلات ابتدایی خودش را در مدارس سنتی قرآنی و اسلامی از کودکی آغاز کرد. او از سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۵م در مدرسه معروف مطالعات عربی کانو که مادر دانشگاه بایرو بود و تمام قضات بزرگ شمال نیجریه فارغ التحصیل این مدرسه هستند، مشغول به تحصیل شد.

او در دانشگاه احمدبلو کارشناسی ارشد اقتصاد را خواند و بعدها با فعالیت در امور جامعه دانشجویان مسلمانان به عنوان مغز متفکر در پشت تظاهرات گسترده مردمی در حمایت از گنجاندن شریعت در قانون اساسی نیجریه شناخته شد. او حدود ۴۰ سال قبل در نخستین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی به ایران سفر کرد و با امام خمینی دیدار کرد و شیعه شد. امام خمینی به او قرآنی هدیه داد و به او گفت بروید با این قرآن مردم نیجریه را به اسلام دعوت کنید. او بعد از بازگشت به نیجریه مردم را با پخش عکس‌های امام خمینی جذب تشیع کرد؛ به طوری که عشق به انقلاب و امام خمینی در بین مردم نیجریه به قدری زیاد است که شیعیان نیجریه به (خمینیون) معروف شدند.

«زینت ابراهیم» در سال ۱۹۸۴م با شیخ ابراهیم زکراکی ازدواج کرد. زینت ابراهیم قبلا خبرنگار و نویسنده مطبوعات بود. آنها ۹ فرزند دارند که ۶ نفرشان شهید شده‌اند. او در

نیجریه شد و دست به قتل‌عام وحشتناک شیعیان زد!

درواقع شیخ زکراکی و همراهانش از طریق تبلیغ درمساجد و برگزاری کنفرانس‌ها درمجامع علمی و تولید و تکثیر نوار کاست سخنرانی‌های مذهبی، کوشیدند تا افراد را جذب گروه تازه تاسیس خودشان کنند. آن‌ها به منظور کارکرد بهتر تشکیلات، نهادهای مختلفی را تاسیس کردند. که جهت آشنایی با سازوکار این نهادها به معرفی آن‌ها می‌پردازیم:

۱- بنیاد شهید

با افزایش حملات نیروهای امنیتی و کشته شدن تعداد زیادی از اعضا جنبش اسلامی، تصمیم گرفته شد تا بنیادی را برای رسیدگی به خانواده شهدا ایجاد کنند. منابع مالی این بنیاد عمدتاً از طریق کمک‌های

همه‌جا پا به پای شیخ در همه مراسم‌ها و راهپیمایی‌ها و سفرهای داخل وخارج و... بوده است. او هنگام زخمی شدن شیخ به شدت از او مراقبت کرد. در نیجریه او را «معلمه» می‌خوانند زیرا در ایران و نزد شیخ ابراهیم دوره طلبگی دیده است و سال‌ها در نیجریه معلم بانوان حرکت اسلامی بوده است. ایشان همیشه با تواضع می‌گویند: «من اول شاگرد شیخ هستم و بعد همسر و هم‌رزم او»

اما چیزی که خیلی قابل تامل و توجه است، این می‌باشد که شیخ ابراهیم با چه تشکیلاتی مردم نیجریه را عاشق و پیرو مکتب شیعه و انقلاب اسلامی ایران کرد که جمعیت شیعیان نیجریه روز به روز درحال افزایش می‌باشد، طوری که موجب نگرانی سردمداران حکومت

ماهنامه اعضای جنبش فراهم می‌شود.

۲-مدارس اسلامی

جنبش اسلامی نیجریه جهت گسترش فرهنگ تشیع به ایجاد مدارس اسلامی پرداخته است. این مدارس شامل مقاطع کودکستان، دبستان، راهنمایی و دبیرستان است. در برنامه‌های دینی این مدارس دروس مربوط به سیره، فقه، حدیث، حفظ قرآن و تهذیب گنجانده شده است. مدارک ارائه شده در این مدارس در نظام آموزشی نیجریه معتبر شناخته می‌شود و شهریه پایین این مدارس سبب شده تا پیروان مذاهب دیگر هم فرزندان خود را به این مدارس بفرستند و نکته مهم این است که تمام زمین‌های مربوط به مدارس فودیه از طریق کمک‌های مالی اعضای جنبش اسلامی تهیه شده‌اند.

۳-انجمن پزشکان

نیجریه با مشکلات فراوانی در حوزه بهداشت و درمان روبه‌رو است، با عضویت متخصصین رشته‌های مختلف پزشکی به جنبش اسلامی انجمن پزشکان در سال ۱۹۹۶ میلادی تاسیس شد و با ارائه خدمات رایگان و با کیفیت به عموم مردم تبلیغ متفاوتی برای جنبش اسلامی انجام می‌دهند.

۴-مجمع خواهران

شیخ زکراکی یکی از نشانه‌های جهل را حبس کردن زن در منزل، وادار ساختن او به انجام کارهای خانه می‌داند، به طوری که از انجام فعالیت‌های اجتماعی محروم شوند. فعالیت مجمع خواهران در زمینه‌های: آموزش، سازماندهی سخنرانی‌ها، کمک به ازدواج جوانان و ملاقات بیماران در بیمارستان می‌باشد.

۵-مجمع دانش‌پژوهان

این مجمع گروهی از دانشجویان هستند که با برگزاری همایش‌ها و دوره‌های آموزشی برای دانشجویان و انتشار مقالات علمی خواهان گسترش تفکرات اسلامی در محیط دانشگاهی هستند.

۶-واحد رسانه و تولید فیلم

شیخ زکراکی که در ابتدای کار خود برای رساندن پیامش به جامعه و مردم نیجریه از نوار کاست استفاده می‌کرد، با پیشرفت ابزارهای ارتباطی، فعالیت‌های رسانه‌ای خودش را گسترش داد و واحد تولید فیلم در سال ۲۰۰۲ تاسیس شد تا به ترویج عقاید و ارزش اسلامی در سراسر جهان بپردازد. بخش دیگر فعالیت رسانه‌ای جنبش، انتشار روزنامه‌ها و کتاب‌های تبلیغی است.

۷-انجمن شاغلان

شیعیان نیجریه به اتهام تضاد با حکومت از بسیاری از حقوق

شهروندی خود محروم‌اند و از نظر اقتصادی در شرایط به مراتب بدتری نسبت به سایر شهروندان نیجریه‌ای قرار دارند. لذا انجمنی متشکل از طبقه افراد صاحب‌پیشه برای بهبود وضعیت اقتصادی جنبش و شیعیان ایجاد شد. همزمان با درگذشت حضرت امام، هفته‌ای به نام امام خمینی (ره) نام‌گذاری شده است که در این هفته جوانان به بیمارستان رفته و به بیماران کمک (مادی و اهدای خون) می‌کنند و در کنار این کمک‌ها شخصیت امام را به مردم معرفی می‌کنند و در روز ولادت حضرت زهرا (س) با جمع آوری کمک‌های مالی، زندانیان را آزاد می‌کنند.

نهادهایی که معرفی کردیم تنها بخشی از تشکیلاتی است که شیخ ابراهیم به همراهی شیعیان در نیجریه به تاسی از انقلاب اسلامی ایران بر پا کرده است و نکته مهمی که باید همواره به آن توجه نمود، اهمیت دادن به امر تشکیلات‌سازی است که عدم به کارگیری آن موجب شکست و انقراض هر جنبشی می‌شود. یکی از علتهای مهمی که در واقع موجب پیروزی چشمگیر شیعیان و شیخ ابراهیم در نیجریه شد، همین اهمیت دادن به تشکیلات بود.



حزن و شادی؛ به چه قیمتی؟

جستاری بر بدعت جدیدی به نام تاج‌گذاری امام زمان (عج)

● محدثه مولایی - کارشناسی مطالعات خانواده



خورده است: «جشن تاج‌گذاری امام زمان» حتی خود این عبارت به شدت زنده است و درخور مقام ولایت نیست چرا که تاج‌گذاری، شیوه‌ی پادشاهان و امپراطوری هاست و پادشاهان برای به قدرت رسیدن و سلطه‌ی خود به این مقام تکیه زده‌اند؛ اما کجا سیره‌ی اهل بیت (ع) این‌گونه بوده که چنین مراسمی داشته باشند؟! این نه تنها برای مردم مسلمان بلکه برای مردم جهان نیز صورت زیبایی ندارد؛ زیرا امام برای سلطه، جنگ، مقام و قدرت نیامده است، بلکه برای هدایت بشر و برای قرار دادن انسان در مسیر رسیدن به الله برگزیده شدند و این عبارت نابجا و غلط نباید جزئی از مراسمات دینی ما بشود و چهره‌ای نازیبای از امامت برای مردم مجسم کند و امام را همدیف پادشاهان با تعلقات دنیایی قرار دهد.

ما مردم مسلمان ایران با بزرگداشت این روز ارادت خود را نسبت به مقام ولایت نشان داده و تجدید بیعتی با امام حئی و حاضر غایب از نظرها می‌کنیم. در کنار این تجدید بیعت، این را هم می‌دانیم که امام در سوگ پدر بزرگوار خود و عزادار هستند و قطعاً شیعیان در این غم شریک هستند. این خوشحالی حاکی از وجود امام معصوم و خالی نماندن زمین از حجت خداست. این ردای امامت بر قامت معصوم بیانگر این است که ما از نعمت هدایت و ولایت محروم نشده‌ایم چرا که وجود امام معصوم به عنوان یک رهبر با تدبیر و فرستاده‌ی خداوند متعال راه سعادت را برای ما هموار و نابسمانی‌ها را سامان بخشیدن است؛ اما چند سالی است ترکیب کلماتی مفهوم زیبایی را به ذهن‌ها متبادر نمی‌کند. این، بدعت جدیدی است که افرادی سعی در گسترش آن دارند. می‌رویم سر اصل مطلب. حتماً به گوش شما

در هفتادویکمین شماره از بی‌تعارف به‌طور مفصل پیرامون بدعت از تعریف لغوی تا مثال‌های ریز و درشت صحبت کردیم. حالا از بدعتی صحبت خواهیم کرد که نه تنها در چهارچوب شریعت نمی‌گنجد که حتی وصله‌ی ناجوری نیز هست. با این روایت از امام صادق (ع) شروع می‌کنیم که می‌فرماید: «شیعیان ما از بقیه‌ی خمیر مایه‌ی اولیه‌ی آفرینش ما آفریده شده‌اند و ولایت ما در سرشت آنان عجین گشته است و آنان با خوشی ما خوشحال و با ناراحتی ما ناراحت می‌شوند.» هشتم ربیع‌الاول شهادت امام حسن عسگری (ع) و درست یک روز بعد از آغاز امامت حجت‌بن‌الحسن (عج) است. روزی که برای شیعیان بسیار روز مهمی است. این روز را گرامی داشته و برای آن خوشحالیم و این خوشحالی را با جشن بروز می‌دهیم؛ اما سوال اینجاست که جشن به چه معنا؟

چشم جان و جهان بین!

خلاصه بخش اول کتاب جهان بینی توحیدی اثر شهید مطهری

● فاطمه کمالی خواه - کارشناسی مهندسی مکانیک

را جهان بینی فلسفی بدانیم، قطع نظر از اینکه منشا آن چیست، باید جهان بینی دینی را یک نوع از جهان بینی فلسفی بدانیم؛ باتوجه به این موضوع پس مزایای آن را هم دارا خواهد بود؛ لکن نظر به منشا معرفت و شناسایی این دو که متفاوت است (استدلال و برهان برای فلسفی و تلقی وحی از جهان غیب برای مذهبی) می توان گفت اینها از هم دو نوع است.

تفاوت دیگر و مزیت این دو نوع جهان بینی، در قداست بخشیدن به اصول نیز هست که برای جذب ایمان افرادیک جهان بینی لازم است.

پس در این میان، جهان بینی دینی دارای اولویت و برتری خواهد بود؛ برترین آن نیز از نوع توحیدی است، چرا که به دلیل خدامحوری و خداطبیبی بودن آن (در حالی که قائل به حکمت و تمام صفات خیر در حد کمال برای خدا و نیازمندی انسان و بازگشتش به سوی اوست) به بهترین شکل پاسخگوی نیازهای بشری است. بنابراین تمام معیارهای جهان بینی عالی را داراست و در ادامه با توجه به آنکه خالص ترین نوع توحید نیز در شکل اسلامی دیده می شود و به عبارت بهتر جهان بینی اسلامی همان توحیدی است، پس می توان گفت که جهان بینی اسلامی-توحیدی بر تمام انواع آن برتری و اولویت خواهد داشت. در این جهان بینی مواردی همچون: آفریده بودن جهان و نگهداری شدن و موجودیتش به واسطه عنایت و مشیت خدا، عبث آفریده نشدن جهان، احسن و اکمل بودن نظام موجود، جریان داشتن اراده و مشیت الهی به صورت «سنت» یعنی به صورت قانون و اصل کلی در جهان و... مبنای در نظر گرفته می شود.

در جهان بینی علمی درابتدا، فرضیه ای برای کشف و تفسیر یک پدیده مطرح می شود. سپس در عمل مورد بررسی قرار می گیرد تا درستی یا نادرستی فرضیه بررسی شود. (یعنی مبتنی بر فرضیه و آزمون است.)

این جهان بینی با وجود مزایایی چون: دقت، جزئی بودن و مشخص بودن، عیوبی اساسی دارد که به طور موردی به آن می پردازیم:

علم به دلیل مبتنی بودن بر فرضیه و آزمون در طی زمان امکان تغییر دارد؛ پس متزلزل و ناپایدار است.

علم تنها قادر به درک جزئیاتی از عالم بوده و از پاسخ به کلیات شخصیت جهان عاجز است. (علم جزءشناس است نه کل شناس.)

ارزش علم به عملی و فنی کردن و بودن است و نه تکیه بر بخش نظری آن.

بنابراین علم به عنوان یک نوع دیدگاه، پایداری، کل نگری و ارزش نظری و واقعیت نمایانه لازم را در جهت تامین ویژگی های یک جهان بینی عالی (قابل اتکای بشریت) ندارد.

جهان بینی فلسفی این نوع متکی بر سلسله اصولی بدیهی و غیرقابل انکار برای ذهن بشر است. عام و دربرگیرنده است.

تزلزل و محدودیت مورد قبلی را ندارد. با توجه به این ویژگی های مذکور می توان گفت، جهان بینی فلسفی با تاثیر بر عمل بطوری که جهت رفتار و راه انتخابی زندگی را مشخص می کند، پاسخگوی مسائلی است که تکیه گاه ایدئولوژی می باشد.

جهان بینی دینی با نگرش فلسفی وحدت قلمرو دارند، به طوری که اگر هرگونه اظهار نظر کلی در رابطه با جهان هستی

هر مسلک و فلسفه زندگی، مبتنی بر نوعی اعتقاد، بینش، تفسیر و تحلیلی نسبت به جهان هستی است که به عنوان زیرساز فکری آن مسلک و مکتب محسوب می شود؛ طوری که اهداف، راه و روش، مسئولیت ها، باید ها، نبایدها و... هر مکتب، از آن ناشی می شود؛ به عبارت دیگر، جهان بینی تعبیر و تفسیر انسان از جهان است که مربوط به مسئله معروف شناخت می شود و نباید آن را با احساس نسبت به جهان اشتباه گرفت.

جهان بینی براساس منبع الهامش، دارای انواعی است:

نوع اول که الهام گرفته از علم است، جهان بینی علمی نامیده می شود.

نوع دوم، جهان بینی فلسفی با مبنایی فلسفی و نوع سوم جهان بینی دینی یا مذهبی بر اساس دین است.

پیش از آنکه به توضیح هر یک بپردازیم لازم است بدانیم، ویژگی های یک جهان بینی عالی و قابل اتکای یک ایدئولوژی چیست؟

۱) قابل اثبات و استدلال است (یعنی از طرف عقل و منطق حمایت و تایید می شود)

۲) به حیات انسان معنی می دهد.

۳) آرمان ساز، شورانگیز و آرزو خیز است (موجب جاذبه افراد به آن دیدگاه و نیرو و انگیزه عمل افراد معتقد به آن می شود)

۴) قدرت قداست بخشیدن به اهداف انسانی و اجتماعی را داراست (ضمانت اجرایی هر مکتب نیز همین است و فداکاری در راه هدف را تسهیل می کند) حال با دانستن ویژگی های یک جهان بینی عالی، برای یافتن مبنای حرکت بشریت، به بررسی انواع جهان بینی ها می پردازیم:

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س)

مدیر مسئول: هدیه گیاه تازه

سر دبیر: نرگس خطیب دماوندی

هیت تحریریه: معصومه عباس قربانی، محدثه مولایی، فاطمه

کمالی خواه، نرگس خطیب دماوندی، هدیه گیاه تازه، ریحانه

صالحی فر، زهرا عظیمی، فاطمه حشمت، فاطمه پیروزنیا

شماره تماس: ۰۶۸۴۷۰۰۹۳۹۱۰۰۲۶ / ۰۲۱۸۸۰۴۸۰۲۶

صفحه آرا: نرگس خطیب دماوندی



انجمن اسلامی دانشگاه الزهرا (س) در صفحات مجازی:

@anjoman_eshlami_alzahra

@anjomanalzahra